



بنیاد اسلای و فرهنگ ایرانیان
I.R.I.C.F

توجه

برای نمایش کلیپ لطفا

در اینجا کلیک کنید



**دیوید لینچ از مراقبه
و جهان کوانتومی
می گوید**

خلاقیت، هوش،

انرژی، عشق، قدرت،

سعادت، صلح پویا

نور وحدت

همه مثبت هستند.

نور وحدت

دشمنی و خصومت را

از میان میبرد

قابلیت کامل انسان

(نتیجه غائی هشیاری ناب)

روشن ضمیری

خوانده میشود

تلفن اطلاعات

(832) 466-8849

تلفن پیام گیر

**10125 EMNORA Ln.
Houston, TX 77080**



هفتم و هشتم مهر

” بزرگداشت شمس و مولانا “

سخنران مهمان : آقای شهریار جودت

عنوان سخن : ” مولانا ... سوررئالیستی قبل از سوررئالیسم “

سه شنبه : ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۵ ساعت : ۹ شب (بوقت تگزاس)

Tuesday September 30th, 2025 9:00 pm Zoom Meeting

<https://us06web.zoom.us/j/88395953458>

Meeting ID: 883 9595 3458

یادداشت سخنران

و چون موسی به میعاد ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت ...
گفت: پروردگارا خود را به من بنمایان تا بر تو بنگرم.

فرمود: هرگز مرا نخواهی دید، ولی اگر اصرار می‌ورزی به آن کوه بنگر، اگر در جایش استوار ماند، مرا خواهی دید.
و چون پروردگارش بر کوه تجلی کرد، آن را در هم شکست و موسی بیهوش بر زمین افتاد.
چون به خود آمد گفت: ” پاکا که تویی، به درگاهت توبه کردم و من نخستین مؤمن به این حقیقت هستم. “ (اعراف/143)
جناب مولانا در مثنوی معنوی به این واقعه اشاره می‌کند و با زبانی شورانگیز می‌سراید که:

**جسم خاک از عشق بر افلاک شد ** کوه در رقص آمد و چالاک شد
عشق، جان طور آمد عاشقا ** طور مست و خُر موسی صاعقا**

حضرت مولانا، با اینکه به عواقب این درخواست عجیب موسی (ع) در رخ نمودن چهره به او آگاه است اما... خود گرفتار همان وسوسه موسوی می‌شود و پا را از مرز توانایی هایش فراتر نهاده، در مکاشفه‌ای رؤیایگونه، خود را در دل آتشی می‌افکند که عقل اش را فرو می‌ریزد و جان اش را به حیرتی بی پایان می‌سپارد ... به گونه ای که خود شرح این پریشانی و سرگردانی را در غزلی سراسر شورانگیز و رمزآلود ... که موضوع بحث ما نیز هست ... این چنین گزارش می‌کند:

**چه دانستم که این سودا مرا زین سان کند مجنون
دل را دوزخی سازد، دو چشم را کند جیحون؟**

و با چنین شروع غیر متعارفی در این غزل ... بی‌آنکه بخواهد یا بداند ... هفت قرن پیش از آنکه مکتب (Surrealism) سوررئالیسم در اروپا سر برآورد، پا در قلمرو ”فرا واقعیت“ می‌نهد ...

محدوده ای که در آن منطق فرو می‌ریزد، تخیل به پرواز درمی‌آید، و زبان در آینه رؤیا و مکاشفه الکن گشته و دگرگون می‌گردد ... و با سنجه ادبیات مدرن، شاهکاری خلق می‌کند ... برآستی حیرت انگیز.

در این جلسه از گفتگوها با شما عزیزان همدل، با نگاهی کوتاه به تاریخچه ”سوررئالیسم“ و اصول آن، به تفسیر این غزل یگانه و شباهتهای ساختاری آن به قواعد سوررئالیسم خواهیم پرداخت و نشان خواهیم داد که چگونه مولانا، قرن‌ها فراتر از عصر خویش میزیسته است و چگونه تجربه‌ای عرفانی و ”فرا واقعی“ را در ظرف بلورین کلمات جادویی و شیوه شگفت انگیز بیان خویش، جای داده و تجلی بخشیده است.

حضور دوستان همدل و همراه، مایه دلگرمی است. باشد تا در اقلیم رؤیا گون این مکاشفه مولانا با او همسفر شویم و در تجربه او از سرزمینی که عقل در آن خاموش و دل، زبان گشوده است، شریک گردیم.

**non-profit org. (501)(c)(3)
iricf@bonyadnameh.com**